

اردیبهشت و این همه حرف

محمد مرادی ناصر آباد



نشر آناپنا

۱۳۹۵

سرشناسه: مرادی ناصرآباد، محمد، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: اردیبهشت و این همه حرف / محمد مرادی ناصرآباد
مشخصات نشر: تهران: انتشارات آناپنا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص؛ ۱۴×۵/۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۴-۲۳-۶
حیثیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
ردیف: بند۱ کتبی، ۱۳۹۴ PIR، الف ۲۸۱۱۷
رده بندی: بی۶۲
شماره کتابشناسی: ۴۰۵۲۹۳۰



نشر آناپنا

اردیبهشت و این همه حرف محمد مرادی ناصرآباد

صفحه آرا: یاسر عزآباد
طراح جلد: علی جلائیان
شمارگان: ۱۱۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
لیتوگرافی: نقره آبی
چاپ: شاد رنگ
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۴-۲۳-۶
شش هزار تومان

همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است!

نشانی: تهران / رودکی / پایین تر از تقاطع سه رودکی / کوچه پدرامی / پلاک ۲ / طبقه ۴ / واحد ۹
تلفن: ۶۶۳۷۷۶۱۱ - ۰۹۱۲۵۲۷۲۸۵۸
ایمیل: anapananashr@gmail.com
وبسایت: www.anapana.ir

پیش‌گفتار

... اگر قالب رباعی و دوبیتی را «موجزترین» و «پرمعنی‌ترین» قالب شعر فارسی بنامیم، به گمان من، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. اگر چه در ادب گرانسنگ فارسی، به ابیاتی برمی‌خوریم که دنیایی از معنا، سبکی و زیاده‌اش را در خود جای داده است، اما آن بیت، جزوی است از یک سبک که از ۶ بیت تا ۱۴ بیت را تشکیل می‌دهد. اما رباعی و دوبیتی در بیت بیشتر نیستند و به همین جهت است که این قالب‌ها، بیشتر توسط عرفا و حکماء مورد توجه قرار گرفته‌اند تا شعرا. چرا که آن‌ها در شکار لحظه‌ها، کوچک‌ترین جرقه‌ی ذهن را در قالب رباعی و دوبیتی بیان داشته‌اند. این قالب‌های کوتاه شعری، در حقیقت فشردن مطالب طولانی و مباحث فراوان در دو بیت و گرفتن مصادیق آنهاست. و شاید این قالب‌ها، مقابله‌ای است با قصیده‌های سطر و گاه پخته‌کننده که در گذشته‌ی ادبی ما وجود داشته است، اما آنچه که هست، امروزه، روزگار فرصت است و فرصت برای هر کاری که است. اگر روزگاری با اسب و الاغ عازم سفر می‌شدند، امروزه حتی با هواپیما هم خسته‌کننده و وقت‌گیر است و سازندگان آن و مؤسسان مسافرتی، در اندیشه‌ی ساخت هواپیماهایی هستند که با سرعت صوت حرکت کند و مثلاً شخص از غرب تا شرق گره‌ی زمین را در یک روز کاری طی کند و پس از انجام امور، در همان روز به دیار خود بازگردد.

در چنین اوضاع و احوالی خواندن قصاید چند صد بیتي، چه اندازه می‌تواند مورد استقبال مخاطب قرار گیرد؟ امروزه، زمان نشست‌های طولانی در قهوه‌خانه‌ها و شنیدن نقالی و... گذشته، حتی چای هم کیسه‌ای شده تا بدون فوت وقت برای دم کشیدن، در لیوان‌های یک‌بار مصرف و در همه جا و در چند ثانیه آماده و نوش جان شود. نهرهای جاری در باغ‌ها و کشت‌زارها، جای خود را به آبیاری قطره‌ای داده است.

رباعی و دوبیتی، آینه‌های کوچکی هستند که در مقابل زلال‌ترین اندیشه‌ها و حکمت‌ها قرار گرفته تا انعکاس دهنده‌ی همه‌ی آنها در بیان، اندک و مختصر باشند و چنین نیز بوده‌اند.

در دوره‌ی معاصر این قالب‌های کوتاه، رونق خود را از دست داده بودند. در پیش از انقلاب هم کمتر کسی به آنها توجه داشت. رواج شعرها، مدحی عاشقانه‌های نازل و توصیف‌های گاه غیر اخلاقی در آثار دوران قبل از انقلاب، مجال اندیشیدن به شعرهای حکمی و آرمانگرا را از مخاطبین گرفته بود.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی و انگشت ادبیات به مسیر واقعی خود، موج آرمان‌خواهی و اندیشمندی در آثار شاعران انقلاب به حرکت در آمد و شعر روزگار ما را به ادب اندیشمند و والای گذشته پیوند زد و در این میان، این قالب‌ها و به‌ویژه رباعی، وسعتی تنی چند از شاعران و در رأس آنها مرحوم سید حسن حسینی در مجموعه شعر «همصدا با خلق اسماعیل» و زنده‌نام دکتر قیصر امین‌پور با مجموعه «در کوچه‌ی آفتاب» رویکرد خوبی به این قالب نشان دادند و نفسی تازه به آن بخشیدند و با توجه به زبان مؤثر و نفس‌تأثیرگذار آن دو عزیز بزرگوار، رباعی جانی تازه یافت و مورد استقبال شاعران قرار گرفت و مجموعه‌ی گزیده «رباعی

امروز» که توسط آقای محمدرضا عبدالملکیان گردآوری و چاپ و نشر یافت، نشان دهنده‌ی توجه شاعران به این قالب از شعر فارسی است.

متأسفانه و به مرور کمتر به آن توجه شد، اما اخیراً شاعران بسیاری به قالب‌های رباعی و دوبیتی توجه ویژه نشان داده‌اند و حتی مجموعه‌های خوبی در این قالب‌ها به بازار نشر راه یافته و برخی علاقه‌مندان، مجموعه‌های مستقلی از رباعی و دوبیتی را انتشار داده‌اند که هم در درونمایه و هم در ساختار، نگاهی نو و سخنی تازه، ارائه کرده‌اند و این، جای بسی خوشحالی است.

مجموعه‌ی حاضر که در دست شماست، تلاشی است ارجمند در این جهت. منی توجه به قالب دوبیتی و همتی شایسته برای احصای آن در دگر که سخن هر چه کوتاه و موجزتر، بهتر و راحت‌تر در دل مخاطب می‌نشیند. سراینده‌ی این مجموعه، جناب آقای محمد مرادی، سرآهنگ بود. در گرو ارزش‌ها دارد، گاه از تعبیر خود ساخته و خوبی‌ها سرآهنگ می‌کند، مانند: «هر سو مسیر بی سرانجام»

کجایی ای نگارین دل آرام که تشنه‌ی ما افتاده از بام
بیا سرگشته‌ی دشت جنونم در این هر مسیری بی سرانجام
و مگر وظیفه‌ی شاعر، عمق و وسعت بخشیدن به زبان و
ادب نیست؟ و مگر این کار با ساختن ترکیبات تازه و نغمه‌ها
انجام نمی‌گیرد؟

ز دست عشق تو فریاد، شیرین چه کردی بادل فرهاد، شیرین
به شوری بیستون ویرانه کردی الهی خانه‌ات آباد، شیرین
توجه شاعر به آرایه‌های کلامی مانند استفاده از جناس «فریاد»
و «فرهاد» و تضاد و طباق مانند «آباد» و «ویران» و آرایه‌ی

مراعات نظیر مانند «شیرین و فرهاد و عشق و بیستون» در این دوبیتی چشمگیر و تلاشی این گونه قابل تقدیر است اما باید توجه داشت که استفاده از آرایه‌ها نباید به صورت کلیشه‌ای و صریح و یا تصنعی به کار گرفته شود که در آن صورت، دلنشینی و حلاوت و تأثیر خود را از دست می‌دهد.

دوبیتی‌های حسی و عاطفی که در این دفتر نیز کم نیستند، مخاطب را با احساس و عواطف شاعر، همدل و هم‌زبان می‌کند و این همان ارتباطی است که شاعر با خوانندگان شعر خود باید داشته باشد.

استفاده‌ی شاعر از زبان و بیان نجیبانه در آثار خود که این مجموعه گونه‌ای از آنهاست، جای تقدیر دارد. آن هم در روزگاری که برخی از شاعران جوان، در شعر، از زبانی شلخته و غیر ادبی و بیانی غیر اخلاقی استفاده می‌کنند و برای جذب مخاطب به طرح مسائل اروتیک و صریح و بی‌حاشیای هوس‌آلود و گاه کفریات می‌پردازند و به قول یکی از هم‌پیش‌شاعرها: «در شعر برهنه می‌رقصم / برای جذب مخاطب» که شماره‌ی این گونه شعرها، تن و لب و بستر و آغوش است و بی‌شک.

با امید به اینکه مجموعه‌های بهتر و زیباتری را این شاعر پُر احساس را در آینده شاهد باشیم، برای ایشان آرزوی سلامتی و پیروزی دارم.

والسلام

حسین اسرافیلی - تهران

۱۳۹۴/اردی‌بهشت/۱۵